

# نقش ارزشیابی تحصیلی در شخصیت کودکان

رضا فرهادیان

## هدف از ارزشیابی و نقش آن در شخصیت کودکان

از زمانی که کودکان پا به عرصهٔ مدرسه می‌گذارند همهٔ فکر و اندیشه خانواده معمولاً نگران پیشرفت درسی فرزندانشان است و آرزوی والدین رسیدن و دستیابی فرزندان به نمرهٔ بیست است. از طرف دیگر اغلب دست اندرکاران مدارس محصول کار خود را تعیین دانش‌آموزان ممتاز در امتحانات ثلث و سالیانه و رسیدن آنها به نمرات بیست می‌دانند. درصد نمرات بیست را ملاک موفقیت کار خود به حساب می‌آورند. مدارس هدف از امتحان را مشخص کردن افراد برجسته و زرنگ می‌دانند و اصولاً دانش‌آموزان خوب از نظر آنها کسانی هستند که مهارت زیادی در کسب نمرات بیست دارند. بنابراین پس از امتحانات و مشخص شدن نمرات دانش‌آموزان، روابط معلمین و مربیان و حتی خانواده‌ها با کودکان شکل خاصی به خود می‌گیرد. در واقع بر اساس مشخص شدن نتیجه ارزشیابی تحصیلی و نمرات دانش‌آموزان، روابط با کودکان شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در ابتدا، رشد علمی و آموزشی و سنجش پیشرفت تحصیلی افراد مورد نظر است ولی بطور طبیعی و ناخودآگاه این امر به ارزیابی دربارهٔ شخصیت و موفقیت شخصی و شخصیتی دانش‌آموز منجر می‌شود، به طوری که دانش‌آموز خوب و با شخصیت دانش‌آموزی است که نمرات بیست کسب

می‌کند و دانش‌آموز بد و بی‌شخصیت دانش‌آموزی است که نمی‌تواند نمرات بیست بیاورد.

البته لازم به یادآوری است که نمی‌توان رابطهٔ نمرات تحصیلی را با پیشرفت درسی نادیده گرفت ولی مهم لطمه‌ای است که اینگونه برخوردها و طرز تفکر اولیا در شخصیت فرزندان دارد و به نوبه خود دانش‌آموز را بطرز خاصی از پیشرفت و موفقیت تحصیلی و رشد زمینه‌های دیگر استعدادی باز می‌دارد.

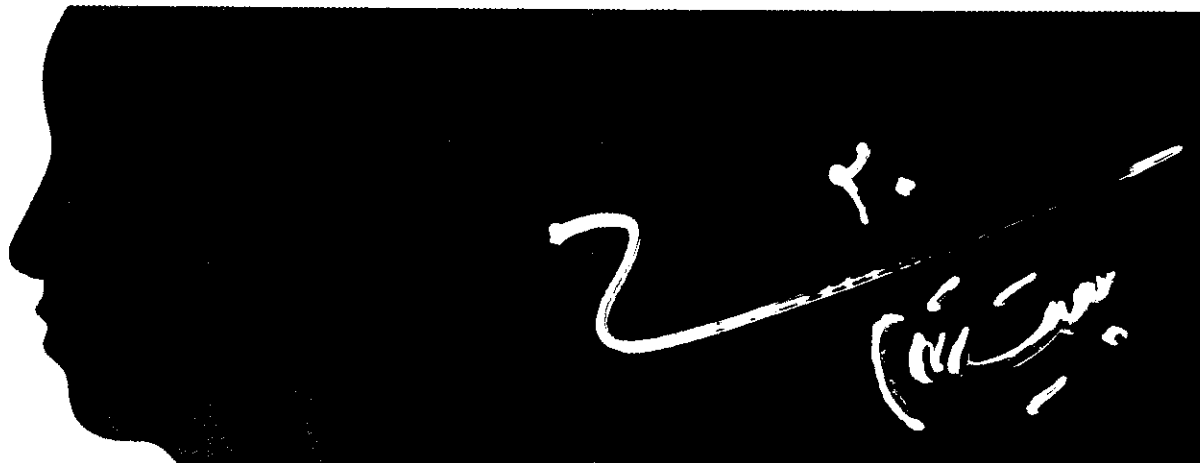
مدیران و مسؤولین مدرسه پس از برگزاری امتحانات به دنبال اهداف نامعلومی می‌روند و بیشتر آنان در پی افزودن راندمان تحصیلی و همچنین پروراندن افراد نخبه و کسانی هستند که بتوانند با سایر آموزشگاه‌های دیگر به رقابت برخیزند.

والدین، امتحان را به عنوان سدی یا حصاری می‌دانند که باید به هر نحو که شده برداشته شود و فرزندان‌شان از آن پیروزمانده و موفق بگذرند و معتقدند که اگر کودکان نمرهٔ موردنظرشان را (۲۰) نیاورند همهٔ آرزوهای آنان بر باد رفته است. از نظر کودک همهٔ وجود و شخصیت‌اش متبلور در نمره می‌شود، آن هم نمرهٔ بیست. اگر کودک در آوردن این نمره موفقیتی حاصل نکند از نظر پدر و مادر، پیشرفتی نداشته است، شخصیت‌اش بی‌ارزش می‌شود و همواره با دید تحقیرآمیزی به وی نگاه می‌کنند. این مسئله

در مورد بعضی از معلمین و مربیان هم کم و بیش راه یافته و آنان هم در کلاس توجه دلپذیری به اینگونه کودکان نمی‌نمایند.

بنابراین از وقتی که کودک از دامن مادر و از محیط خانه وارد مدرسه می‌شود بنحو مرموز و پیچیده‌ای شخصیت‌اش با موفقیت‌اش در کسب نمره بیست گره می‌خورد. در واقع نمره مفسر همه چیز کودک می‌شود و بیانگر شخصیت و ارزش وی قلمداد می‌گردد. کلیه رفتارها و برخوردها و پذیرفتن‌ها و نپذیرفتن‌های معلمین بر اساس نمرات دانش‌آموز تنظیم می‌گردد. مهمتر اینکه اینگونه برخوردها و حتی عمیق‌تر از آن در بین پدر و مادر در خانه، در ارتباط با شخصیت فرزندان جریان دارد. آنان روابط عاطفی و نحوه نگرش خود را در ارتباط با شخصیت فرزندان، همه بر اساس میزان توانایی و مهارت کودکان‌شان در به دست آوردن نمرهٔ بیست تنظیم می‌کنند.

مثلاً اگر فرزندان‌شان در درسی توان بدست آوردن نمرهٔ بیست را نداشته باشد رفتارشان طوری توهین‌آمیز است که فرد، خود را بی‌لیاقت و بی‌کفایت احساس می‌کند. همین امر چون ضربه به شخصیت دانش‌آموز وارد می‌سازد موجب دلسردی در سایر دروس دیگر هم می‌گردد، بطوری که حرکتهای تلاش‌های بعدی خود را بی‌اثر می‌داند و خود را شکست خورده می‌پندارد، شکستی که لطمه به شخصیت‌اش وارد آورده و او را از اینکه بتواند در درسی موفق



شود باز می‌دارد و اگر باز هم به مدرسه می‌رود و درسی هم می‌خواند همه به خاطر شرایط زندگی و فشار خانواده است که او را مجبور به مدرسه رفتن و درس خواندن می‌نماید. نتیجه چنین درس خواندنی هم از قبل معلوم است.

بنابراین ما بسیار برمی‌خوریم به دانش‌آموزانی که انگیزه آنان برای امر تحصیل از بین رفته و دیگر در خود احساس لیاقت و توانایی پیشرفت درسی نمی‌کنند و به هر صورت افتان و خیزان، مدرسه و درس را تا آخر سال ادامه می‌دهند و چندان رغبتی و علاقه‌ای به امر تحصیل پیدا نمی‌کنند. حال ملاحظه می‌شود که به طور ناخودآگاه رفتار والدین به بی‌رغبتی و تضعیف علاقه فرزندان برای تلاش در درس و تحصیل منجر می‌شود و توجهی ندارند که خودشان در بی‌علاقه کردن فرزندان نسبت به امر تحصیل دخالت مستقیم داشته‌اند. عدم برخورد صحیح موجب احساس عدم اعتماد نسبت به تواناییهای خویش و در نتیجه موجب عدم تلاش برای فعالیت درسی می‌گردد چرا که ارزشیابی درسی به ارزشیابی شخصیتی منجر شده است.

یکی از هدف‌های مهم ارزشیابی و امتحان عبارت است از ایجاد رغبت و علاقه در دانش‌آموز برای تلاش بیشتر در امر تحصیل است. ولی در عمل نتیجه مخالفی پیدا کرده که موجب عدم رغبت و علاقه دانش‌آموز به تحصیل گردیده است. زیرا

واکنش اطرافیان نسبت به نمرات، موجب دل‌سردی وی نسبت به درس و تحصیل شده است. او با برخوردهای نامناسب احساس عدم لیاقت و توانایی در خود کرده، از این رو بکلی انگیزه درس خواندن از وی رخت بر بسته است. چنین دانش‌آموزی را معمولاً در منزل و در مدرسه سعی می‌کنند با فشار و تهدید و تطمیع علاقه‌مند به درس و تحصیل نمایند. با سرزنشهای مکرر و رگبار پند و اندرز تشویق به درس خواندن کنند و توجهی ندارند که خود به دست خویش کودکان را بی‌انگیزه و بی‌رغبت به درس کرده‌اند. دانش‌آموزی که توان آوردن نمره بیست را ندارد ما در اثر فشار و تهدید وی را ناتوان کرده‌ایم، اعتماد به نفس را از او گرفته‌ایم شخصیت‌اش را خورد کرده‌ایم. زیرا هر چه تلاش کرده نتوانسته توقعات و انتظارات ما را برآورده سازد. از این رو در خود احساس عدم ارزش می‌کند، احساس می‌کند که توانایی و لیاقت‌کاری را ندارد و نسبت به انجام تکلیف دل‌سرد می‌شود و از نظر روحی و روانی خسته به نظر می‌رسد، و هر بار که می‌خواهد درس بخواند و تکلیفی را انجام دهد با یک احساس ناخوشایندی و عدم ارزشمندی روبرو می‌شود، چون احساس می‌کند هر تلاشی هم که انجام دهد بالاخره موفق نخواهد شد، نمی‌تواند انتظارات والدین را برآورده سازد، پس حال که نمی‌تواند، نسبت به هر درسی دل‌سرد و بی‌رغبت می‌شود. توجه به توان و ظرفیت کودکان مهمترین اصل در

ارزشیابی و ارزشیابی تحصیلی دانش‌آموزان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: لا یكلف الله نفساً الا وسعها.

در آموزشگاههایی که غرض از امتحان را مشخص کردن و برجسته نمودن دانش‌آموزان زرنگ می‌دانند پس از ارزشیابی همه توجه کلاس و معلم و والدین به طرف آن تعداد معدود جلب خواهد شد و همه تشویقها متوجه یکی دو نفر خواهد بود و نسبت به تلاش بقیه اعضای کلاس غفلت می‌شود. با اینگونه برداشت از ارزشیابی توجهی به آثار و عواقب سوئی که این عمل در پی دارد ندارند و در مدرسه تنها برای یک یا دو نفر از هر کلاس احترام خاصی قائل می‌شوند و نسبت به سایر دانش‌آموزان دیگر بی‌اعتنا می‌مانند. در نتیجه عده‌ای از دانش‌آموزان که در حد توان خود تلاش کرده‌اند، احساس می‌کنند که سعی آنها بیپایه بوده و اثری نداشته و اصولاً آنها توان رقابت و رسیدن به نمرات بیست را ندارند. خودبخود نسبت به تحصیل از روی علاقه و رغبت، دل‌سرد می‌شوند.

در صورتی که در ارزشیابی عوامل فراوانی وجود دارد که اگر آن عوامل بطور جامع و کامل مورد نظر قرار بگیرد، معلوم می‌گردد که هر یک از دانش‌آموزان مطابق با استعداد و تواناییهای خودشان رفتار و تلاششان قابل تقدیر و تشویق است. در حال حاضر اهمیتی که والدین و مدرسه برای نمره قائل‌اند از دیدگاه دانش‌آموز نمره همه چیز اوست، شخصیت اوست و بیانگر

ارزش و اهمیت اوست. زیرا قبل از اینکه توانایی علمی دانش آموز مورد ارزیابی قرار گیرد شخصیت او زیر سؤال می‌رود! باید در قضاوت‌هایمان عادلانه عمل کنیم، میزان تلاش و سعی افراد را با میزان توان و ظرفیت آنان بسنجیم.

ممکن است کسی که موفق گردیده نمره ۱۷ یا ۱۸ بگیرد با توجه به توانش از فردی که ۲۰ گرفته است تلاش و زحمت بیشتری کشیده باشد. اگر با همه برخورد یکسانی داشته باشیم امری است غیرمنطقی و اگر تفاوت‌های فردی را در نظر نگیریم و از همه انتظار نمره ۲۰ داشته باشیم آثار سوئی به دنبال خواهد داشت که کمترین دلسردی و افت تحصیلی دانش آموز خواهد بود. همه اینها نشانگر عدم شناخت ما نسبت به اهداف تعلیم و تربیت و ارزشیابی می‌باشد. ما در ارزشیابی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای کودکان، اهداف تدریس و اهداف ارزشیابی، فقط نمره خام کتبی یا شفاهی کودک را مورد توجه قرار می‌دهیم و با دریافت این نمره به قضاوت درباره شخصیت کودک می‌نشینیم. در حالی که یکی از ویژگیهای مهم، از دیدگاه روانشناسی رشد، و تعلیم و تربیت اسلامی که در این دوره مطرح است و باید پرورش یابد، ایجاد شخصیت و روحیه اعتماد به نفس در کودکان است. دوره دبستان جایگاه پایه‌ریزی این خصلت‌هاست. کرامت نفس و عزت نفس در این دوره باید پرورش داده شود و در این دوره است که باید کودکان اعتماد به نفس خود را بازیابند و این احساس شخصیت‌پشتوانه روحی و روانی برای زندگی آینده آنهاست.

### تأثیر برخورد با نتیجه ارزشیابی

باید در مدرسه و خانه طوری برخورد شود که کودک احساس لیاقت و توانایی بکند. احساس شخصیت و عزت نفس در او زنده بماند و رشد یابد. دانش آموز وقتی تکلیفی را به خوبی انجام می‌دهد و یا کاری را خودجوش انجام می‌دهد، معلم و والدین باید به گونه‌ای با او برخورد نمایند که در او

احساس لیاقت و ارزشمندی به وجود آید. در یک احترام متقابل دانش آموز احساس کند که برای آنان مهم است و او لیاقت و توانایی انجام کار و یا تکلیف را دارد. احساس موفقیت بکند و احساس کند که توانسته کاری انجام دهد. احساس کند که برای خود و دیگران مفید است. این احساس خوشایندی برای او لذتبخش است و خود انگیزه می‌شود برای استمرار در انجام تکلیف و رغبت به درس.

ولی متأسفانه در بسیاری از مدارس و یا خانواده‌ها، حتی بین قشر تحصیل کرده هم شیوه برخورد به گونه‌ای است که کودک و یا نوجوان احساس عجز و ناتوانی می‌کند. احساس حقارت می‌کند. احساس بی‌لیاقتی و بی‌علاقگی می‌نماید. برخورد با نمراتی که دانش آموز می‌گیرد به گونه‌ای است که احساس حقارت و عجز و ناتوانی را به شدت در او تشدید می‌کند. اگر دانش آموزی نمره ۱۷ گرفته در خانه، والدین یا او به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویا دچار خطای بزرگی شده و یا او را همیشه با دوست و رفیق و یا فامیلش مقایسه می‌کنند و سپس دانش آموز را زیر رگبار سرزنش و پند و اندرز می‌گیرند که چرا نتوانسته و موفق نشده نمره بیست بگیرد. دوست داشتن و یا اهمیت دادن به شخصیت او را، مشروط به دریافت نمره ۲۰ می‌نمایند. در این صورت فردی که نمره کم گرفته دیگر در خودش قابلیت برای بارور شدن، احساس نمی‌کند و چون می‌بیند نمی‌تواند توقعات والدین را برآورده سازد. اعتماد به نفس خود را بکلی از دست می‌دهد. موقعی که والدین او را مقایسه می‌کنند مثلاً می‌گویند مثل فلانی باش، تلاش می‌کند که حد تواناییهای دانش آموز را ضعیف نگه دارند و اگر مکرر به وی بگویند که تو ضعیف هستی دیگر او در وجود خودش، خود را توانا نمی‌بیند و باورش می‌شود که ناتوان است.

والدین به تصور خود می‌خواهند او را بالا بکشند ولی توجه ندارند که در این گونه برخوردها ممکن است نتیجه کاملاً برعکس

شود. مقایسه‌ها بسیار مشکل‌زا است گاهی سبب کینه و دشمنی بین فرد مقایسه شده می‌شود. در این جا دانش آموز احساس می‌کند که شکست خورده و احساس حقارت می‌کند و همین خود سبب می‌شود که دیگر به خواست مربی و یا والدین پاسخ مثبت ندهد و نسبت به انجام تکلیف و درس بی‌علاقه شود و با انجام ندادن تکلیف جلب توجه کرده و با والدین تلافی نماید. این شیوه در بین دانش آموزان کم نیست و نمونه‌های بسیاری دارد. احساس اینکه ضعیف هستم کم کم موجب ترس او می‌شود که در کلاس فعال نباشد و از پاسخ دادن طفره برود و حتی اگر چیزی را می‌داند، نگوید و یا آهسته بگوید و احساس کند، لیاقت ندارد. در حالی که، نباید او را با دیگران مقایسه کنیم و انگ ضعف و سستی بر وی بگذاریم. باید او را به نقاط مثبت و قوتش آشنا کرد و به قابلیت‌های خودش آگاه کنیم تا موجب رشد و علاقه به پیشرفت در او بیشتر شود. باید به او دلگرمی بدهیم که در عمل و کار، خود را ببیند و اشکالات خود را رفع نماید. اگر بگوییم ضعیف هستی، دیگر در هیچ درسی خودش را توانا نمی‌بیند.

### هدف از ارزشیابی بعضی از مدارس

متأسفانه بعضی از مدارس و یا مربیان هدف از ارزشیابی و امتحان را جز عملی برای غربال کردن دانش آموزان و طبقه‌بندی آنان به منظور انتخاب و تعیین افراد شایسته و تشویق آنان به عنوان افراد مطلوب و موفق نمی‌بینند، در حالی که بطور ناخودآگاه بقیه اعضای کلاس به عنوان افراد ناشایسته و نالایق تلقی می‌شوند. نتیجه این دیدگاه و اینگونه تشویق‌کردنها، سبب خواهد شد که اکثر افراد کلاس اعتماد به نفس و احساس لیاقت را از دست بدهند و تصور نامطلوبی نسبت به خویش پیدا کنند. همین موجب دلسردی و عدم تحرک در انجام تکالیف درسی خواهد شد، لذا مشاهده می‌گردد که پس از امتحان ثلث اول و دریافت

نتایج آن بعضی از دانش‌آموزان دیگر نسبت به درس رغبتی نشان نمی‌دهند. در صورتی که یکی از هدفهای ارزشیابی ایجاد رغبت در دانش‌آموزان بوده ولی در اینجا نتیجه عکس داده است.

باید دانست که نقش تعلیم و تربیت و هدف از آن که باید متوجه همه دانش‌آموزان باشد، تنها متوجه فرد یا افراد خاصی گردیده و در نتیجه حق عده‌ای از دانش‌آموزان با این بینش تضییع می‌گردد. در حال حاضر با توجه به تحولات سریع علمی و صنعتی در کشورهای جهان به این نتیجه رسیده‌اند که برای آنکه افراد بتوانند نقش فعال در جامعه ایفا نمایند باید از مهارت‌ها و لیاقتها و داناییها و استعدادهای متفاوتی برخوردار باشند و اعتدالی یک جامعه به این بسته است که بتواند همه استعدادها را با تواناییهای مختلف، در جهت‌های متفاوت مورد نیاز جامعه رشد و تربیت نماید.

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نسبت به همگان احساس مسؤولیت می‌شود و منظور و هدف آن پرورش و آموزش همه افراد است نه یک یا چند فرد خاص. جامعه آموزشی باید نسبت به همه افراد تحت تعلیم خود احساس مسؤولیت نماید. بنابراین آموزش و پرورش باید زمینه و امکانات رشد و پرورش استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان را با هر توان و ظرفیتی که دارند فراهم نماید تا بتواند نقش خود را به عنوان یک نظام متحول در جهت اهداف انقلاب اسلامی به نحو مطلوب ایفا نماید.

پیداست در چنین نظام آموزشی نقش امتحان و به اصطلاح دیگر ارزشیابی تغییر می‌کند و رسالت حقیقی خود را باز می‌یابد.

### هدف از تعلیم و تربیت

هدف از تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش ایجاد تغییرات مطلوب در سازمان‌دهی ذهنی دانش‌آموزان به منظور تحول در رفتار آنان است. به این معنا هر یک از مواد درسی و پرورشی پس از

گذراندن دوران آموزشی آن، باید در رفتار و اعمال دانش‌آموزان تغییرات لازم و مشخصی را در جهت مثبت پدید آورد.

مثلاً بایستی بین رفتار دانش‌آموزی که کتاب درسی خاص و یا مواد درسی معینی را گذرانیده، با دانش‌آموزی که چنین برنامه‌ای را ندیده نوعی تفاوت در رفتار مشاهده گردد. در این صورت است که ما به هدف از ارزشیابی نائل گردیده‌ایم.

### تعریف ارزشیابی

ارزشیابی عبارتست از؛ فرایندی منظم و مستمر برای سنجش تغییرات حاصله در رفتار دانش‌آموز و ترغیب وی برای رسیدن به هدفهای آموزشی و تربیتی و هدایت جهت یادگیری و تدریس.

با توجه به تعریف فوق ملاحظه می‌گردد که ارزشیابی یکی از جنبه‌های مهم و جدایی‌ناپذیر تعلیم و تربیت و بالخصوص تدریس و آموزش معلم در کلاس می‌باشد. بنابراین ارزشیابی وسیله‌ای نیست که تنها در پایان مراحل تحصیلی و برای انتخاب افراد شایسته به کار رود، بلکه باید بطور مستمر و مداوم همراه با تعلیم و تربیت در موقعیتهای مختلف با استفاده از روحیه کنجکاوی و تلاش دانش‌آموز در جهت ترغیب به فراگیری بیشتر انجام پذیرد.

همچنین هدف از ارزشیابی مقایسه کردن دانش‌آموزان یا یکدیگر و تعیین افراد و نشان زدن به آنان نیست. مقایسه کردن در شرایطی صحیح است که همه افراد مورد ارزشیابی از نظر فیزیکی و شرایط روحی و روانی در شرایط واحد بسر ببرند و از جهت خانوادگی، نحوه تغذیه و بهداشت روانی یکسان بوده و نیز از جهت هوش و تواناییهای فردی در یک سطح باشند و از شیوه‌های صحیح در امر ارزشیابی استفاده شده باشد. در این شرایط است که ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نه تنها به دانش‌آموز کمک می‌کند، بلکه معلم را قادر می‌سازد که خود، در رسیدن به اهداف درسی و تحصیلی توانا گردد و براساس نتایج ارزشیابی‌های مداوم، روش تدریس و

جریان یادگیری را در جهت رفع نقایص بهبود بخشد. همچنین ارزشیابی صحیح می‌تواند در دانش‌آموز ایجاد رغبت و علاقه نماید تا بطور واقعی نقاط ضعف و قوت خود را تشخیص داده و با تقویت نقاط مثبت، تلاش چشمگیری داشته باشد.

### اهداف ارزشیابی

نتیجه ارزشیابی تحصیلی در ارتباط با دانش‌آموز و معلم و والدین مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### اهداف ارزشیابی دانش‌آموز:

۱- تشخیص نقاط قوت و ضعف و ایجاد رغبت و انگیزه برای یادگیری و تلاش بیشتر.

۲- شناخت هدفهای درسی بطوری که دانش‌آموز از روی سؤالات امتحانی هدفهای تدریس را کشف کند.

۳- ایجاد رغبت و کسب عادت صحیح به مطالعه.

۴- یادگیری و فراگیری مطالب مهم درسی.

### اهداف ارزشیابی در ارتباط با والدین

۱- شناخت توان و استعداد و ظرفیت فرزند خود و تعدیل نظرات و سطح توقعات در حد منطقی، مطابق با بُنیه و توان کودک.

۲- تقویت نقاط مثبت و جنبه‌های قوت دانش‌آموز و ایجاد علاقه.

۳- ایجاد زمینه و آمادگی برای دانش‌آموز جهت رشد و پیشرفت تحصیلی.

### معلم و اهداف ارزشیابی

۱- ارزشیابی، میزانی برای شروع مراحل بعدی تدریس است زیرا اگر معلم اطمینان پیدا نکند که دانش‌آموز مبحث قبلی را بنحو مطلوبی آموخته است شروع مطالب بعدی درسی بی‌نتیجه خواهد بود.

۲- وسیله‌ای برای کمک به یادگیری دانش‌آموز. اگر نتیجه ارزشیابی نشان دهد که قسمتی از سؤالات امتحانی برای

دانش آموزان دشوار بوده و یا اکثر آنان نتوانسته‌اند به پاره‌های از سؤالات پاسخ صحیح بدهند در این صورت تدریس مجدد آن مطالب ضرورت پیدا می‌کند.

۳- وسیله‌ای برای اصلاح روش تدریس معلم با ارزشیابی مشخص می‌شود که مهارت تدریس و شیوه‌ها و روشهای آموزشی موفق بوده است یا نه. این گونه شواهد به معلم فرصت می‌دهد که همواره در جهت اصلاح و بهبود روش تدریس خود تجدید نظر نماید.

۴- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای تعریف هدفهای تدریس.

معلم می‌تواند با ارزشیابی صحیح نگرش مطلوبی را در دانش آموز ایجاد کند که براساس آن نتایج، فرد فرد دانش آموزان در رفع نارساییهای خود جهت یابند و روش صحیح مطالعه و یادگیری را فرا بگیرند، در این صورت دانش آموز به یادگیری علاقه مند می‌گردد.

برای انجام یک ارزشیابی و امتحان صحیح و دقیق باید تمام ضوابط در نظر گرفته شود و هدف از ارزشیابی مورد ملاحظه قرار گیرد. ارزشیابی عملاً یک نوع قضاوت است و چون این قضاوت درباره شخصیت دانش آموز انجام می‌گیرد، باید خیلی ظریف و دقیق و عادلانه صورت گیرد و اعلام نتیجه آن باید طوری باشد که در جهت اهداف پرورشی و رشد و علاقه دانش آموز مفید و مؤثر باشد و ما را به اهداف تعلیم و تربیت نزدیک سازد. نحوه ارائه نتیجه ارزشیابی باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ شخصیت دانش آموز و عزت نفس وی موجبات دلسردی، بی‌علاقگی و یا غرور بیش از حد دانش آموز را فراهم نسازد. در آنان موقعیتی فراهم سازد که به تلاش بیشتر در جهت پیشرفت تحصیلی ترغیب شوند. برای ارزشیابی و قضاوت صحیح در مورد پیشرفت تحصیلی، هرچه اطلاعات بیشتری از دانش آموز در اختیار ما باشد نتیجه ارزشیابی درست‌تر و قابل اعتمادتر خواهد بود. در ارزشیابی علاوه بر اندازه‌گیری

یافت. بنابراین تنها نمره خام کتبی دانش آموز نمی‌تواند شاخص گویا و دقیقی برای ارزشیابی و قضاوت صحیح درباره پیشرفت تحصیلی و رفتار و تلاش و کوشش وی باشد. با این توضیحات ما در ارزشیابی دانش آموزان باید به تلاش و کوشش آنها ارج نهمیم نه به نمرات بیست آنان. از این رو برای جلوگیری از تنش‌هایی که از ارائه نمرات خام به والدین دانش آموزان و سابقه ذهنی که فعلاً در جامعه از نمره ۲۰ وجود دارد باید چاره‌ای اندیشید، که پس از هر ارزشیابی دقیقاً اهداف آن تحقق یابد. یکی از آن هدفها ایجاد رغبت و انگیزه در دانش آموز است. برای چاره‌اندیشی ما انتظار داریم که مدارس با توجه به اهداف دقیق ارزشیابی و رعایت آن نتایج ارزشیابی خود را با ر نظر گرفتن همه معیارهای ذکر شده و تهیه نمره میانگین کلاس به صورت یک نمودار کیفی عالی، خیلی خوب، خوب و نیاز به تلاش دارد، ارائه نمایند تا شخصیت دانش آموزان هم در محیط خانه و هم در مدرسه حفظ گردد و نیز با شناخت نقاط قوت خود به مواردی که نیاز به تلاش دارد بپردازند و از ایجاد ذهنیت سوء در دانش آموز و اطرافیان‌ش جلوگیری نمایند. با این روش توجه به نقاط مثبت و ارزش‌گذاری روی کار خوب دانش آموز، او را به تلاش در جهت رفع نقایص کار خویش می‌کشانند. البته باید توجه داشت که هر روشی برای اندازه‌گیری ارزشیابی خالی از خطا نخواهد بود، منتها باید روشی را برگزینیم که از خطای کمتری برخوردار باشد. بنابراین باید یک بازنگری در مورد شیوه‌های برخورد و شیوه‌های ارزشیابی و همچنین ارائه نتیجه آن و نحوه قضاوتها بنماییم تا اهداف تعلیم و تربیت و ارزشیابی را در جهت رشد خلاقیتها و حفظ استقلال و شخصیت دانش آموزان و ایجاد اعتماد به نفس در آنان تسریع نماید و نونهالان که آینده‌سازان این کشور هستند در جهت تعالی علمی و اخلاقی رهنمون سازد و از اختلالات رفتاری و افت تحصیلی جلوگیری نماید.

بسمه تعالی  
لیس للانسان الامامی  
فرد ارزشیابی ثلث دوم

کلاس چهارم

نام و نام خانوادگی: ..... فرزند: ..... سال تحصیل: ۷۲-۷۳

ردیف	مواضع درسی	عالی	خیلی خوب	خوب	بازه نصاب دارد
۱	قرآن	○	○	○	○
۲	تعلیمات دین	○	○	○	○
۳	انشاء فارسی	○	○	○	○
۴	دعای فارسی	○	○	○	○
۵	قرائت فارسی	○	○	○	○
۶	تاریخ و ادب	○	○	○	○
۷	حرفها	○	○	○	○
۸	ریاضیات	○	○	○	○
۹	علوم تجربی و بهداشت	○	○	○	○
۱۰	هنر	○	○	○	○
۱۱	ورزش	○	○	○	○
۱۲	رفتار فردی در انجام کارها	○	○	○	○
۱۳	همکاری جسمی و سازگاری اجتماعی	○	○	○	○
۱۴	خط و نصاب	○	○	○	○
۱۵	همکاری والدین	○	○	○	○

مطرحه و اس: .....  
غیبت موجه: .....  
غیبت غیرموجه: .....  
امضاء: .....



چون همواره با یک نوع قضاوت کیفی درباره مطلوب بودن یا نبودن شخصیت همراه است، برای صحت و دقت بیشتر باید به عواملی چون موضوع تدریس، روش تدریس، حجم درس، پرسشهای مکرر در کلاس، میزان دقت در طرح سؤال، دانش‌آموزان قبلی دانش آموز و استانداردهای علمی در طرح سؤال، فرصت یادگیری دانش آموز، شرایط روحی و روانی وی، سن و تواناییهای فردی و بهره هوشی، موقعیت خانوادگی، میزان همکاری و صمیمیت والدین با یکدیگر، توجه شود تا بتوان به ارزشیابی و سنجش دقیقی دست